

موعظه و حکمت در نهج البلاغه

ترجمه و شرح ۱۱۰ حدیث از «نهج البلاغه»

تألیف
سید جعفر موسوی اصفهانی

مشهد مقدس • ۱۳۸۵

سرشناسه : موسوی اصفهانی ، جعفر ۱۳۲۵
 عنوان و نام پدیدآور : موعظه و حکمت در نهج البلاغه / جعفر موسوی اصفهانی
 مشخصات نشر : مشهد : رستگار ، ۱۳۸۹
 مشخصات ظاهری : ۴۰۰ ص .
 شابک : 6 - 47 - 7213 - 964
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : احادیث شیعه / حضرت علی (ع) ، ۲۲ قبل از هجرت ، ۴۰ ق ، نقد و تفسیر
 کره بندی کنگره : ۱۳۸۹ م ۸۴ / ۰۴۲۳ / BP ۳۸
 کره بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۲۸۸-۸۹م



انتشارات رستگار

نام کتاب : موعظه و حکمت در نهج البلاغه (ترجمه و شرح ۱۱۰ حدیث از نهج البلاغه)
 مؤلف : سید جعفر موسوی اصفهانی
 نوبت چاپ : اول ۱۳۸۹
 چاپ و صحافی : مؤسسه چاپ دقت
 شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه
 قیمت : ۵۰۰۰ تومان
 ناشر : انتشارات رستگار

مشهد مقدس . خیابان آزادی - بین آزادی ۴ و ۶

تلفن : ۲۲۵۶۶۱۵ - ۲۲۵۳۹۰

شابک : ۹۶۴-۷۲۱۳-۴۷-۶

ISBN : 964 - 7213 - 47 - 6

فهرست موضوعات



۹	مقدمه.....
۱۰	لزوم توجه به شأن دین.....
۱۰	دخالت غیر متخصص در امور دینی.....
۱۲	جایگاه علم حدیث در دین.....
۱۲	اقسام حدیث.....
۱۶	پیرامون «نهج البلاغه».....
۱۷	سید رضی.....
۱۸	پیرامون کتاب حاضر.....
۱۹	حدیث ۱: خطر هوای نفس و آرزوی طولانی.....
۲۳	حدیث ۲: اوصاف دنیا.....
۳۲	حدیث ۳: خیرخواهترین و فریبکارترین افراد.....
۳۵	حدیث ۴: لزوم تبعیت از قرآن و سنت.....
۳۹	حدیث ۵: خطر عشق به غیر خدا.....
۴۲	حدیث ۶: تقوا، کلید نجات.....
۴۵	حدیث ۷: مقام اهل البیت علیهم السلام.....
۴۷	حدیث ۸: خداشناسی.....
۵۰	حدیث ۹: تهذیب نفس.....
۵۴	حدیث ۱۰: انسان سعادت‌مند.....
۵۶	حدیث ۱۱: امتحان الهی.....
۶۰	حدیث ۱۲: عظمت و برکات نماز.....
۶۳	حدیث ۱۳: اکثریت معیار حقیقت نیست!.....
۶۶	حدیث ۱۴: حقیقت دنیا.....
۶۸	حدیث ۱۵: صفات انسان سعادت‌مند.....
۷۲	حدیث ۱۶: یاد خدا دل را جلا می‌دهد.....
۷۵	حدیث ۱۷: تقوا منشأ خیرات و برکات.....
۷۹	حدیث ۱۸: قضاء و قدر و همت.....
۸۲	حدیث ۱۹: مراقبت از زبان.....





- حدیث ۲۰: خودت را به صبر وادار کن! ۸۵
- حدیث ۲۱: میزان کُلی در ارتباط با دیگران ۸۷
- حدیث ۲۲: لزوم صیانت از گوهر «کرامت نفس» ۹۰
- حدیث ۲۳: اهمیت دوستی ۹۲
- حدیث ۲۴: سختی زندگی، بخاطر ستیز با حق ۹۶
- حدیث ۲۵: خطر عجب و غرور ۹۸
- حدیث ۲۶: روش برخورد با فتنه ها ۱۰۲
- حدیث ۲۷: ضد ارزش ها ۱۰۴
- حدیث ۲۸: ارزش ها و ضد ارزش ها ۱۱۱
- حدیث ۲۹: بهترین ارزشها ۱۱۸
- حدیث ۳۰: اهمیت و ارزش رازداری، خوشرویی و بردباری ۱۲۵
- حدیث ۳۱: پیامد خود پسندی و نتیجه صدقه ۱۲۹
- حدیث ۳۲: شکفتی های آفرینش در وجود انسان ۱۳۶
- حدیث ۳۳: نتایج روی آوردن و پشت کردن دنیا ۱۴۱
- حدیث ۳۴: آداب معاشرت با مردم ۱۴۴
- حدیث ۳۵: عفو و گذشت در هنگام قدرت ۱۴۶
- حدیث ۳۶: راه شناخت عاجزترین مردم ۱۴۹
- حدیث ۳۷: شکر نعمت ۱۵۳
- حدیث ۳۸: اجتناب از سرزنش دیگران ۱۵۶
- حدیث ۳۹: قضا و قدر ۱۵۹
- حدیث ۴۰: اجتناب از تشبیه به یهود ۱۶۲
- حدیث ۴۱: پیامد آرزوهای طولانی ۱۶۶
- حدیث ۴۲: نتیجه ترس و حیای بی مورد ۱۷۰
- حدیث ۴۳: اجتناب از تنبلی و ضرورت تلاش در زندگی ۱۷۴
- حدیث ۴۴: ارزش رسیدگی و خدمت به مردم ۱۷۶
- حدیث ۴۵: اجتناب از معصیت ۱۷۹
- حدیث ۴۶: بهترین زهد ۱۸۲
- حدیث ۴۷: ضرورت و اهمیت یاد مرگ ۱۸۵
- حدیث ۴۸: پرده پوشی خدای متعال ۱۸۸
- حدیث ۴۹: اجتناب از افراط و تفریط ۱۹۰
- حدیث ۵۰: بهترین راه بی نیازی ۱۹۳





حدیث ۵۱: پیامد آرزوی طولانی.....	۱۹۶
حدیث ۵۲: لزوم اجتناب از آداب جاهلیت.....	۱۹۸
حدیث ۵۳: چهار فضیلت.....	۲۰۰
حدیث ۵۴: راه شناخت عاقل از نادان.....	۲۰۵
حدیث ۵۵: الگوی شایسته.....	۲۰۷
حدیث ۵۶: خطر عجب.....	۲۱۲
حدیث ۵۷: شناخت ارزش‌ها.....	۲۱۵
حدیث ۵۸: پیروزی؛ ثمره دور اندیشی و رازداری.....	۲۱۹
حدیث ۵۹: انواع صبر.....	۲۲۲
حدیث ۶۰: ثروت؛ مایه شهوت.....	۲۲۵
حدیث ۶۱: غفلت اهل دنیا.....	۲۲۷
حدیث ۶۲: ارزش عزت نفس.....	۲۲۹
حدیث ۶۳: بی‌اعتنایی به خواسته‌های برآورده نشده.....	۲۳۱
حدیث ۶۴: جهل؛ مایه افراط و تفریط.....	۲۳۳
حدیث ۶۵: ارزش علم و دانش.....	۲۳۵
حدیث ۶۶: شناخت ارزش‌ها.....	۲۳۷
حدیث ۶۷: راه اصلاح دنیا و آخرت.....	۲۴۴
حدیث ۶۸: نشانه‌های فقیه واقعی.....	۲۵۱
حدیث ۶۹: راه شاداب نگه داشتن دلها.....	۲۵۵
حدیث ۷۰: ضرورت عمل کردن به روایات.....	۲۵۷
حدیث ۷۱: شناخت راه صحیح برآوردن حواجی.....	۲۶۵
حدیث ۷۲: شناخت دنیا و آخرت.....	۲۶۹
حدیث ۷۳: خطر عالم بی‌عمل.....	۲۷۳
حدیث ۷۴: شناخت شگفتی‌های قلب (روح).....	۲۷۷
حدیث ۷۵: انسان در بوتۀ آزمایش.....	۲۸۶
حدیث ۷۶: تفاوت عظیم طاعت و معصیت.....	۲۹۲
حدیث ۷۷: اثر معرفت خدای تعالی.....	۲۹۵
حدیث ۷۸: شناخت دنیا و انواع مردم.....	۲۹۷
حدیث ۷۹: شناخت اسباب آسایش و عوامل پیری زودرس.....	۳۰۲
حدیث ۸۰: لزوم توجه به معنا و روح «عبادت».....	۳۰۶
حدیث ۸۱: اهمیت خودشناسی.....	۳۱۲





- حدیث ۸۲: زوال و فناپذیری دنیا ۳۱۴
- حدیث ۸۳: هدایت فطری انسان ۳۱۷
- حدیث ۸۴: روش برخورد با دیگران ۳۲۱
- حدیث ۸۵: استبداد به رأی و مشورت ۳۲۳
- حدیث ۸۶: نادانی؛ سرچشمه دشمنی ۳۲۶
- حدیث ۸۷: رابطه و پیوند قلب‌ها ۳۲۸
- حدیث ۸۸: لجاجت، موجب گمراهی است ۳۳۰
- حدیث ۸۹: طمع، ذلت آور است ۳۳۳
- حدیث ۹۰: لزوم توجه به علاقه قلبی ۳۳۵
- حدیث ۹۱: حلم و بردباری ۳۳۷
- حدیث ۹۲: راه رسیدن به رضایت در زندگی ۳۳۹
- حدیث ۹۳: گذر زمان و روشن شدن حقیقت ۳۴۲
- حدیث ۹۴: طمع و کم فروغی عقل ۳۴۵
- حدیث ۹۵: تفاؤل از صفات انسان کریم ۳۴۷
- حدیث ۹۶: میانه روی در دوستی و دشمنی ۳۴۹
- حدیث ۹۷: قضا و قدر ۳۵۳
- حدیث ۹۸: ضرورت مقابله به مثل در بعض موارد ۳۵۶
- حدیث ۹۹: شناخت آثار سوء فقر ۳۵۸
- حدیث ۱۰۰: شناخت بزرگترین ثروت ۳۶۱
- حدیث ۱۰۱: سؤال و آبرو ۳۶۵
- حدیث ۱۰۲: خطر کوچک شمردن گناه ۳۶۷
- حدیث ۱۰۳: حفظ آبرو؛ نتیجه ترک جدال ۳۶۹
- حدیث ۱۰۴: عمل؛ میوه علم ۳۷۲
- حدیث ۱۰۵: ویژگیهای حق و باطل ۳۷۴
- حدیث ۱۰۶: آثار خودسازی ۳۷۷
- حدیث ۱۰۷: حقیقت زهد ۳۸۱
- حدیث ۱۰۸: صفت خوب، منشأ دیگر صفات پسندیده ۳۸۵
- حدیث ۱۰۹: کرامت نفس ۳۸۷
- حدیث ۱۱۰: دنیا؛ مقدمه آخرت ۳۸۹



مقدمه



حمد و ستایش می‌کنم خدای عزیز مهربان را که یادش آرام بخش دلهاست و درود و سلام بی‌پایان می‌فرستم بر تمامی پیامبران الهی علیهم‌السلام خصوصاً خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم‌السلام بالأخص امام عصر روحی فداد و عجل الله فرجه الشریف و از دشمنان آنها بی‌زاری می‌جویم.

شیعه و اهل سنت به صورت مکرر از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله نقل نموده‌اند که بارها و در مناسبت‌های مختلف فرموده است: همانا من در میان شما دو شیء با ارزش و قیمتی را به جای می‌گذارم. کتاب خدا (قرآن) و عترتم را (اهل بیت را) تا وقتی که به این دو گوهر کرانبها تمسک کنید، هرگز گمراه نمی‌شوید.



اما هزاران افسوس که از همان روز اول رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اکثریت قریب به اتفاق مسلمین (به هر جهت) از این سفارش مؤکد و نورانی، سرپیچی و غفلت نمودند و بر اسلام و مسلمین مصائبی وارد شد (تا زمان حاضر) و می‌شود (تا زمان قیام امام عصر ارواحنا فدای و عجل الله فرجه) که زبان و قلم از وصف تلخی آن عاجز است!!

۱- طبق بعض نقل‌ها به جای «عترت»، «سنت» ذکر شده که به عقیده ما هیچ تفاوتی میان آن دو نیست زیرا از مهمترین سنت و آئین قطعی پیامبر صلی الله علیه و آله لزوم تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام است.

لزوم توجه به شأن دین

نکته مهمی که نباید از آن غفلت کرد این است که: شأن دین و پیامبران و اوصیاء آنها علیهم السلام هدایت معنوی و عقیدتی و تهذیب اخلاق و بیان قانون برای زندگی سالم و عادلانه (که در پرتو همان عقیده و اخلاق صحیح صورت می‌گیرد) می‌باشد.^۱

البته اساس هدایت توسط نور عقل و فطرت صورت می‌گیرد و استفاده صحیح از دین و وحی نیز تنها از طریق بهره‌گیری درست از نور عقل و فطرت ممکن است. اما عقل و فطرت برای هدایت و کمال و سعادت بشری کافی نبوده و به همین جهت خدای تعالی بوسیله ارسال رُسُل و انزال کُتُب و تشریع ادیان مختلف در طول تاریخ، عقل و فطرت آدمی را برای رسیدن به کمال دنیوی و اخروی تقویت و کمک نموده است.

اما هدایت بشر در زمینه دستیابی به رفاه و آسایش مادی و تکنولوژی پیشرفته، توسط عقل و علم و استعداد خدادادی به بشر صورت می‌پذیرد و نباید از مکتب وحی و دین و پیامبران علیهم السلام توقع هدایت در این امور را داشت.

دخالت غیر متخصص در امور دینی

بدون شک، دین (یعنی مجموعه‌ای از عقاید و قوانین عملی و اخلاقی که توسط پیامبران الهی و اوصیائشان علیهم السلام بیان می‌شود) امری فنی و کاملاً تخصصی است که (همچون سایر امور تخصصی) باید در

۱- رک: قرآن مجید سوره‌های جمعه، آیه ۲ - مائده، آیه ۱۶ - حدید، آیه ۲۵ - انفال، آیه ۲۴

ارتباط با فهم و عمل به آن کاملاً هوشیارانه و دقیق برخورد نمود.
یعنی اولاً کسی که تخصص لازم دینی را (از راد صحیح و معقول و متعارف) کسب نکرده نباید به خود حق دخالت و اظهار نظر پیرامون دین الهی را بدهد.

ثانیاً هر کس که می‌خواهد به هر امر دینی اطلاع کسب نماید از رجوع به غیر اهل فن و متخصص دین کاملاً پرهیز نماید (مانند سایر امور فنی و تخصصی).

متأسفانه ما در طول تاریخ (و عصر حاضر) کم و بیش شاهد تخلف در هر دو جهت بودیم.

یعنی کم نبوده و نیستند افراد غیر مسئولیکه بدون کسب تخصص لازم دینی، به خود جرأت اظهار نظر در امور مختلف دینی (عقیدتی فقهی و...) می‌دهند.^۱

و نیز افرادی که (از روی غفلت و...) برای بدست آوردن اطلاعات دینی به غیر متخصص دین رجوع می‌کنند. این دو تخلف بزرگ در طول تاریخ اسلام و شیعه، ضربه‌های هولناکی به دین زده و در نتیجه اسباب تحریف و انحراف و بدبینی نسبت به دین را در جوامع مختلف (خصوصاً جامعه جوان و تحصیل کرده) فراهم نموده است.

تخصص در دین اسلام و مذهب شیعه نیز جز با پیمودن مسیر طبیعی تعلیم و تعلم در حوزه‌های علوم دینیّه (فراگیری صحیح ادبیات و آشنایی با سطوح متوسطه و عالیّه فقهی و اصولی و نیز علوم مختلف

۱- هر چند ممکن است این افراد مثلاً در علوم مختلف روز (مانند، پزشکی، جامعه‌شناسی و...) تخصص داشته باشند ولی روشن است که این امر مجوز دخالت در رشته‌ای که در آن تخصص ندارند (علم دین) نمی‌گردد.

کلامی و تفسیری و حدیثی با توجه به شرائط زمان و سایر اموری که در جای خود برای فهم دین بیان شده) میسر نیست.

جایگاه علم حدیث در دین

بدون شک برای فهم معارف مختلف دینی (عقیدتی، اخلاقی، فقهی و...) مهمترین منبع (بعد از قرآن مجید) احادیث پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد (چنانکه در حدیث ثقلین - که قبلاً بیان نمودیم - ذکر شده است).

اقسام حدیث

برای استفاده صحیح از احادیث معصومین علیهم السلام باید دانست (چنانکه در مباحث تخصصی علوم دینیّه بیان شده و ما در این جا بصورت خلاصه به بعض مطالب که برای عموم مفید است اشاره می کنیم) حدیث، غیر از آیه قرآن می باشد.

در صدور و حقانیت تمامی آیات قرآن مجید هیچ تردیدی (بین همه مسلمین) نیست بر خلاف احادیث. احادیث نیاز به بررسی سندی و صحت و سقم در صدور دارد. (مگر در بعض موارد که بعد بیان می کنیم).

در این که میزان و ملاک در اعتبار و صحت حدیث چیست؟ میان علماء و اهل فنّ (فقها و علماء رجال) اختلاف نظر فراوان هست (مانند سایر امور فنی و تخصصی).

بسیاری از سخنان پیرامون این موضوع متناسب با این کتاب (که برای عموم نوشته شده است) نمی باشد.

ولی مقداری از مطالبیکه در این زمینه برای عموم مفید است را (به طور خلاصه) ذکر می‌کنیم:

۱- طبق نقل مکرر تاریخ و احادیث فراوان: افرادی (به خاطر اغراض فاسدی) به پیامبر و ائمه علیهم‌السلام احادیث جعلی فراوانی را نسبت می‌دادند و آنها را در میان کتابهای حدیث (که در زمان سابق خطی بوده) وارد نموده و در نتیجه مردم را در شناخت حقیقت دچار مشکل و خطا می‌کردند. اگر چه علما در تهذیب و تنقیح کتب حدیثی و حذف احادیث مجعول زحمات فراوانی متحمل شده‌اند، اما این به آن معنی نیست که احادیث موجود (در کتب حدیث) تماماً معتبر و صحیح باشد. بلکه هنوز نیاز به تحقیق و بررسی فنی و تخصصی دارد (که کار اهل تخصص است).

۲- آنچه بیان شد (که اعتبار حدیث نیاز به تحقیق دارد) نباید بهانه شود برای عِدّای تا به مجرد برخورد با حدیثی که مطابق با فهم و ذوق آنها نیست آن را جعلی و دروغ معرفی نمایند. بلکه این اشخاص برای فهمیدن حقیقت در این موضوع باید به اهل فن و خبره در علوم دینی و حدیث‌شناسی مراجعه کنند. (مانند سایر امور تخصصی).

۳- از آنچه بیان کردیم کاملاً روشن شد: عِدّای که از اطلاع عمیق و تخصصی از علوم دینی و حدیثی برخوردار نیستند (و احياناً به نام اخباری یا... در میان مردم معروفند) و برای مطالبی که بیان می‌کنند به حدیث و روایت (هر چند از کتب معروف حدیثی مانند کافی و من لا یحضره الفقیه و وسائل الشیعه و بحار الانوار و...) استناد می‌نمایند و وجوب و حرمت و استحباب و کراهت اموری را استفاده می‌کنند بدون آگاهی تخصصی از ملاک اعتبار و ضعف حدیث و نیز بدون توجه به

سایر منابع و مدارک دینی و ضوابط استنباط حکم شرعی بسیار کار اشتباه و خطرناک و جاهلانه است.

این گروه نادان هر چند در واقع سوء نظر نداشته باشند به نام دین، ضربه های محکمی به دین و معنویت در اجتماع (خصوصاً در میان قشر جوان و تحصیل کرده) وارد می کنند.

خطر این جهال متنسک، قطعاً از دشمنان ظاهری دین بیشتر است.

۴ - اگر حدیثی دارای مضمون معقول و متناسب با آیات و روایات معتبر و درک فطری و وجدانی انسان باشد (همچون بسیاری از احادیث و خطبه هایی که در نهج البلاغه و سایر کتب حدیثی یافت می شود) قهراً احتیاجی به داشتن سند معتبر (در اصطلاح فنی) ندارد. زیرا بر فرض که آن حدیث جعلی و صادر از معصوم علیه السلام نباشد ولی ضرری به جایی نمی رساند. زیرا فرض آن است که مضمون آن حدیث مطلبی صحیح و متین است. در غیر این صورت حتماً باید (برای فهمیدن حقیقت) به متخصص رجوع کرد و غیر متخصص (به حکم عقل و شرع) حق اظهار نظر پیرامون آن مطالب را ندارد.

۵ - یکی از مهمترین اموری که در فهم بسیاری از احادیث (هر چند اصطلاحاً معتبر باشند) حتی الامکان باید مورد توجه قرار گیرد: در نظر گرفتن شرائط و موقعیت زمان و مکان صدور حدیث و نیز شرائط و موقعیت مخاطبین معصومین علیهم السلام می باشد.

چه بسیار احادیثی که هرگز جنبه عمومی ندارند (هر چند ظاهراً عام باشند) بلکه (به واسطه قرائن و جهاتی) مربوط به زمان و مکان و شرائط و یا فرد خاصی می باشد و کسی که به این امور آگاهی ندارد تصور می کند این حدیث (هر چند معتبر) برای همه در همه شرائط از

معصوم علیه السلام صادر شده است.

عنه

به عنوان نمونه در نهج البلاغه (حکمت ۱۷) نقل است: از امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به این که از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: سفیدی موی را تغییر دهید (خضاب کنید) و خود را شبیه یهود (که خضاب نمی کنند) نسازید.



امام علی علیه السلام فرمود: این سخن را پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی فرمود که دین رواجی نداشت. اما در زمان حاضر که دین وسعت یافته و مستقر شده هر کسی مخیر است خضاب کند یا نکند.

و از این نمونه فراوان یافت می شود (اگر تتبع و دقت صورت گیرد).
۶ - موضوع دیگر که در فهم مراد واقعی در احادیث مهم و اساسی است: توجه به سایر آیات و روایات در آن موضوع و نیز مذاق شارع و روح دین (که فقیه با در نظر گرفتن مجموعه معارف دینی آن را استنباط می کند) می باشد. جمود به یک یا چند حدیث (هر چند معتبر) و بی توجهی به سایر آیات و روایات و حکم صریح عقل و فطرت (که مانند آیات و روایات معتبر، حجت قطعی الهی است) و نیز روح حاکم بر شریعت (که فقیه از توجه به مجموعه معارف دینی آن را بدست می آورد) اشتباهی بس بزرگ در فهم دین است.



از امام صادق علیه السلام نقل است: یزید ملعون برای امام سجاده علیه السلام (بعد از قضایای عاشورا) این آیه قرآن را خواند: ما اصابکم من مصیبه فیما کنسبت ایدیکم (شوری / ۳۰) امام علیه السلام در جواب فرمود: هرگز این آیه درباره ما نازل نشده بلکه درباره ما این آیه نازل شده است: ما اصاب من مصیبه... (حدید / ۲۲)

نویسند: با توجه به این که ظاهر آیه شریفه (شوری / ۳۰) اطلاق و

عموم دارد و هر مصیبتی را شامل است. ولی قطعاً (چنانکه امام سجاده علیه السلام - طبق این حدیث - می‌فرماید) اطلاق و عموم در آیه شریفه مراد نیست. به دلیل سایر آیات و روایات و حکم عقل و وجدان. و از این قبیل (که اطلاق و عموم در آیات و روایات مراد نیست) در آیات و روایات فراوان است. (که اهل فن می‌دانند).

پیرامون «نهج البلاغه»

در میان مردم (مسلمانان و غیر مسلمانان) معروفترین متن دینی اسلامی بعد از قرآن مجید «نهج البلاغه» است.

این معروفیت بدون علت نیست. با مطالعه این کتاب نورانی روشن می‌گردد که انصافاً این مقام و جایگاه کاملاً سزاوار و به جا و مورد به این کتاب بزرگ داده شده است.

آری! در «نهج البلاغه» مهمترین نیازهای معرفتی بشر در موضوعات کلی عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی (و ریز موضوعات این کلیات) به صورتی بلیغ و فصیح و جذاب طرح شده است.

به طوریکه با گذشت بیش از ۱۰ قرن از گردآوری این مجموعه گرانسنگ نه تنها بر معارف آن غبار قدمت و کهنگی ننشسته است (با این که تحولات عظیم شگفت آوری در عرصه‌های مختلف علمی و فرهنگی بشر از آن زمان تاکنون رخ داده و می‌دهد) بلکه برای اهل تحقیق و تهذیب و انصاف، عظمت این کتاب بیشتر ظاهر گردیده است. آری امام علی علیه السلام چنانکه خود امیر بر مؤمنین است کلامش نیز بر سایر کلمات امیر است!

آن بزرگوار چون از طریق رسول خدا صلی الله علیه و آله با مبدأ الهی مرتبط و از

آن سرچشمه زلال معرفت سیراب شده و با حقیقت و معنای جهان هستی مرتبط است، کاملاً از درد و درمان روح آدمی مطلع بوده و به عبارت‌ها و بهانه‌های مختلف آن‌ها را (به زیباترین بیان) طرح می‌کند.^۱

سید رضی



جامع و کرد آورنده «نهج البلاغه» عالم عظیم الشان جهان شیعه در قرن چهارم (و اوائل قرن پنجم هجری) «سید رضی» می‌باشد.

آن عالم جلیل‌القدر در سال ۳۵۹ قمری در بغداد از پدر و مادری که هر دو از نسل امامان شیعه^۲ و دارای فضایل معنوی و علمی بودند متولد می‌شود. معروف است که: شیخ مفید شبی در عالم رؤیا دید حضرت زهرا^۳ در حالیکه دست دو فرزند بزرگوارش امام حسن و امام حسین^۴ را گرفته بر شیخ مفید وارد شد و آن دو آقازاده بزرگوار را به وی سپرد و به شیخ مفید فرمود: به این دو فرزندم فقه بیاموز!

صبح همان روز مادر سید رضی و برادرش سید مرتضی، در حالی که هر دو فرزندش را به همراه داشت بر شیخ مفید وارد شدند و از او می‌خواهند که به آن دو فقه بیاموزد!

مرحوم سید رضی با عمر کمی که نمود (۴۷ سال) ولی از دانش گسترده و تألیفات متعدد (که مهمترین و معروفترین آن نهج البلاغه است) برخوردار و به خدمات اجتماعی و دینی فراوانی موفق بود.^۵



۱- همین جهات موجب شده تا دانشمندان مختلف (شیعه و سنی) شرح‌های فراوانی بر این کتاب گران‌قیمت بنویسند.

۲- رک: پیام امام جلد اول، صفحه ۲۲ به بعد

پیرامون کتاب حاضر

نویسنده با وجود بضاعت اندک ولی بخاطر کسب افتخار خدمت (هر چند ناچیز) به فرهنگی دینی و اشاعهٔ معارف و حیانی در میان جامعه (خصوصاً نسل جوان و تحصیل کرده) در حدّ توان تصمیم گرفت تا با انتخاب ۱۱۰ حدیث و گفتار از این مجموعهٔ پرارزش (نهج البلاغه) به ترجمه و شرح آن پرداخته و این تألیف را به روح مطهر امام المتّقین حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه اهداء می نماید.

تذکر: شمارهٔ احادیث مطابق با نهج البلاغه «صبحی صالح» می باشد. امید است مورد قبول روح مطهر آن پیشوای بزرگ قرار گرفته و مورد عنایات حضرتش (صلوات الله و سلامه علیه و لعنة الله على أعدائه) در دنیا و آخرت قرار گیرد. آمین یا ربّ العالمین.

سید جعفر موسوی اصفهانی
۱۴۲۷ هـ. ق مطابق با ۱۳۸۵ هـ. ش
مشهد مقدس